

**A Study of the Reflection of the Hadith al-Kisā' in Persian Poetry Based
on the Two Narrations of Umm Salama and Jabir al-Ansari**

Akram Akrami¹
Zahra Parsapour²

Abstract

Hadith al-Kisā' is among the most authentic and widely transmitted narrations in both Shi'i and Sunni sources, recounting the event in which Imam Ali, Lady Fatimah, and Hasanayn gathered beneath the cloak of the Prophet Muhammad. Among the transmitters of this hadith, Umm Salama's narration is regarded as more authoritative than that of Jabir al-Ansari, and there is scholarly disagreement regarding the location of the event and its connection to the episode of mubāhalah. Given the extensive reflection of Hadith al-Kisā' in Persian poetry, this study adopts a descriptive-analytical approach to examine the scope and historical depth of poetic engagement with this narration and to determine which version has been more prominently represented in Persian verse. The findings reveal that from the fifth century AH onward, the hadith has appeared in Persian poetry in two main forms: allusion (talmih) and poetic translation. Moreover, all poetic translations identified in this study are based on Jabir al-Ansari's narration, the earliest documented version of which dates back to the tenth century AH.

Keywords: Hadith al-Kisā'; Ahl al-Kisā'; Persian poetry; Umm Salama; Jabir al-Ansari.

1. Postdoctoral Fellowship in Persian Literature from the Research Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author) akramekarami3845@gmail.com

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Research Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, zparsapoor@yahoo.com

تحقیق در چگونگی بازتاب حدیث کساء در شعر فارسی به دو روایت امّسلمه و جابر انصاری*

اکرم اکرمی^۱

زهرا پارساپور^۲

چکیده

حدیث کساء از جمله روایات معتبر و متواتر در منابع شیعه و اهل سنت است که درباره ماجرای قرارگرفتن حضرت علی و حضرت زهرا و حسنین (علیهم السلام) در زیر عبا، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است. از جمله راویان، امّسلمه است که اعتبار بیشتری نسبت به روایت جابر انصاری دارد. درباره مکان این رویداد و نیز ارتباط آن با ماجرای مباحله در برخی از منابع اختلاف نظر وجود دارد. از آنجاکه روایت کساء در شعر فارسی بازتاب گسترده‌ای داشته است، این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، سعی دارد ضمن اشاره به گستره و قدمت پرداختن به روایت حدیث کساء در شعر فارسی، روشن کند که کدام روایت از حدیث کساء نمود بیشتری در اشعار دارد. در این بررسی روشن می‌شود که این روایت به دو شکل تلمیح و ترجمه منظوم در شعر فارسی از قرن پنجم به بعد بازتاب داشته است. همچنین همه ترجمه‌سرودهایی که در این بررسی یافت شد، روایت جابر انصاری را نقل کرده‌اند که قدیمی‌ترین سند آن به قرن دهم باز می‌گردد. **واژگان کلیدی:** حدیث کساء، آل عبا، شعر فارسی، امّسلمه، جابر انصاری.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۹/۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jrla.2025.71988.1410

۱. پسادکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (نویسنده مسئول)

akramekarami3845@gmail.com (ORCID: 0000-0002-6306-5755)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. zparsapoor@yahoo.com

مقدمه

حدیث کساء با روایات مختلف در متون روایی و تفسیری شیعه و اهل سنت ذکر شده و به دلیل اهمیت آن کتاب‌های مستقلی درباره آن نوشته شده است. از آن جمله می‌توان به «آیه التطهیر فی الخمسة اهل الکساء» از محی‌الدین موسوی‌غریفی (۱۳۷۷ق)، «حدیث الکساء عند اهل السنة» از سید مرتضی عسکری (۱۳۹۵) و چاپ دوم این کتاب با افزودن منابع شیعی (۱۴۰۲ق)، «سند حدیث شریف کساء» از علی اکبر مهدی‌پور (۱۴۱۰ق) اشاره کرد. در بیان این روایت از راویان مختلف اختلافاتی دیده می‌شود؛ از آن جمله مکان این رویداد که منزل ام‌سلمه بوده است یا فاطمه زهرا (ع). (ر.ک. ویکی فقه، حدیث کساء) و علامه عسکری در کتاب «بر گستره کتاب و سنت» که همه روایت‌هایی که مرتبط با آیه تطهیر در منابع اهل سنت و مکتب اهل بیت (ع) آمده است را جمع‌آوری کرده‌اند.

حدیث کساء در منابع اهل سنت، نظیر مسلم در صحیح، حاکم در مستدرک، بیهقی در سنن کبری و هر یک از طبری و ابن‌کثیر و سیوطی در تفاسیر خودشان بر حقیقت ماجرای کساء اشاره کرده‌اند.

بنابر بسیاری از روایات، این اتفاق در خانه ام‌سلمه افتاده است. طبری و ابن‌کثیر در تفسیرشان و ترمذی در صحیح و طحاوی در مشکل الآثار از عمر بن ابی سلمه روایت می‌کنند که این اتفاق در خانه ام‌سلمه افتاده است. (عسکری، ۱۳۸۷: ۵)

به عنوان مثال، میبیدی در کشف الاسرار ذیل تفسیر آیه تطهیر روایت می‌کند:

و عن ام‌سلمه قالت: فی بیتی انزلت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت. قالت: فارسل رسول الله الی فاطمة و علی و الحسن و الحسین. فقال: هؤلاء اهل بیتی. قالت: فقلت یا رسول الله ما انا من اهل البیت؟ قال: بلی ان شاء الله و روی انها قالت و انا معکم یا رسول الله قال انک علی خیر انک علی خیر.

در این روایات نشانه‌ای از ورود غیر از این پنج تن در زیر عبا نمی‌بینیم. بنابر قول خود ابن‌سلمه، او درخواست پیوستن به اهل بیت (ع) را می‌کند؛ اما پیامبر استنکاف می‌کند و تنها می‌فرماید «تو خیری».

در منابع مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، حدیث کساء یکی از مهم‌ترین روایات در حوزه تشیع است که گاه مستقیم و گاه با واسطه روایاتی از اهل بیت (علیهم السلام)، در این باره نقل شده است که باز می‌بینیم محل این اتفاق در خانه امسلمه بوده است. از آن جمله؛ روایتی که برادر دعبل از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند. روایتی که زید بن علی از جدش امام زین العابدین (علیه السلام) نقل می‌کند و ابوسعید خدری بلا واسطه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند و روایتی که از امام باقر (علیه السلام) است. (ر.ک. عسکری: ۱۶- ۲۳) علامه طباطبایی هم در تفسیر المیزان ذیل آیه تطهیر چندین روایت نقل می‌کند که همگی به نقل از امسلمه است و محتوایی شبیه به روایاتی دارد که در بالا نقل شد. (ر.ک. طباطبایی، ج ۶: ۴۷۳-۴۷۶) اما در کتب شیعی تنها روایتی از حدیث کساء که مکان نزول آیه تطهیر را خانه حضرت زهرا (علیها السلام) می‌داند کتاب مفاتیح الجنان است که البته این روایت بعد از شیخ عباس قمی به آخر کتاب مذکور افزوده شده است که مبتنی بر آن، این ماجرا در خانه حضرت زهرا (علیها السلام) رخ داده است.

روایت منقول در پایان کتاب مفاتیح الجنان، نه در کتب حدیث شیعه و نه اهل تسنن هیچ جایگاهی ندارد. ظاهراً اولین کسی که با این روایت از حدیث کساء مخالفت کرده، خود مرحوم محدث قمی بوده است. (محمدری شهری و دیگران، ۱۳۹۰، ج ۹: ۲۵۴) علامه عسکری هم آن را خبر واحد دانسته و کنار می‌گذارد. منصوری و قریب دوست در مقاله‌ای تلاش می‌کنند تا این حدیث را اعتبارسنجی کنند. قدیمی‌ترین منابعی که درباره روایت فوق یافته‌اند نسخه‌ای خطی به شماره ۸۹۵۴ در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه‌ای از غرر الاخبار و در الآثار و کتاب المناقب است که در نهایت به قرن دهم برمی‌گردد. (ر.ک. منصوری، قریب دوست، ۱۴۰۱: ۲۶۴)

نتیجه‌ای که می‌توان از بررسی این روایت‌ها گرفت این است که؛ ۱. اصل حدیث کساء از حیث سند از احادیث قطعی است که هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعی به کرات آمده است. ۲. روایتی از حدیث کساء که بعدها به مفاتیح الجنان اضافه شده، نسبت به روایت امسلمه از درجه اعتبار کمتری برخوردار است.

اما در کنار منابع روایی، حدیث کساء در منابع ادب فارسی اعم از متون نظم و نثر نیز آمده است که علاوه بر اینکه بازبانی شاعرانه بیان شده است، نوع روایت‌ها نیز متنوع و مختلف است؛

به گونه‌ای که در برخی از منظومه‌ها کاملاً از اصل روایت فاصله گرفته است. در این مقاله به بازتاب روایت حدیث کساء در شعر فارسی می‌پردازیم تا روشن شود اولاً گستره تأثیر این روایت در شعر فارسی تا حد است و دوم، اینکه کدام روایت از این واقعه در شعر شاعران نمود پیدا کرده است.

بازتاب حدیث کساء در ادوار شعر فارسی

بازتاب این حدیث در ادبیات فارسی هم از حیث بسامد و تکرار و هم از حیث قدمت قابل توجه است. اهمیت حدیث کساء در نزد شیعیان، مهم‌ترین علل توجه شاعران به آن است که از دو جهت قابل توجه است:

یکی اینکه این حدیث با آیه تطهیر: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳) پیوند دارد. و دوم اینکه؛ این حدیث از جمله روایات معتبری است که بیانگر جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) است و از این رو به‌خصوص برای شیعیان اهمیت دارد و یکی از دلایل حقانیت ائمه (علیهم‌السلام) در بزنگاه‌های تاریخی از جمله هنگام صلح امام حسن (علیه‌السلام) و هنگام نبرد عاشورا به‌شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که خود آن حضرات برای اثبات حقانیت خود به این حدیث استناد کرده‌اند.

به‌طور کلی حدیث کساء به دو شکل در ادبیات فارسی حضور دارد:

۱. اشارات و تلمیحات

در این بخش شاعر به مناسبت‌های مختلف (نه لزوماً بحث درباره این روایت) در اشعار خود از ترکیباتی چون «آل‌عبا»، «آل‌کسا» یا «خامس آل‌عبا» استفاده می‌کند که به این روایت اشاره دارد. از جمله شاعرانی که با آرایه تلمیح به این روایت اشاره دارند: «شاه نعمت‌الله ولی»، «نسیمی»، «امیرشاهی سبزواری»، «خیالی بخارایی»، «اهلی شیرازی»، «بابا فغانی شیرازی»، «محتشم کاشانی»، «نظیری نیشابوری»، «صائب تبریزی»، «فیض کاشانی»، «اسیر شهرستانی»، «حزین لاهیجی»، «یغمای جندقی»، «ملک‌الشعراى بهار» و... است.

قدیمی‌ترین اشارات به «آل‌عبا» در منظومه کوش‌نامه از ایرانشان (ایران‌شاه) و نیز در اشعار سنایی غزنوی است. هر دو اثر متعلق به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است که از حیث قدمت قابل توجه است. نمونه‌هایی از این تلمیحات در ادامه ذکر می‌شود:

سنایی غزنوی در قصیده مدحیه خود در دیوان اشعارش از این تعبیر استفاده کرده است:
روز و شب در عالم اسلام، علم و حلم تست آن یکی از آل‌عباس این دگر ز آل‌عبا
(سنایی غزنوی، ۱۳۸۱: ۴۹)

همین‌طور حکیم سعدالدین پسر شمس الدین پسر محمد نزاری فوداجی بیرجندی قُهستانی که در قرن هفتم هجری می‌زیسته در یکی از غزلیات خود تعبیر «آل‌عبا» را بکار برده است:
توقّعی که به اعمال خیر دارم نیست جز اینکه هست تولّای من به آل‌عبا
(نزاری قهستانی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۸۸)

عبارت «خامس آل‌عبا» در اشعار شاعران متأخر چون «یغمای جندقی»، «وفایی شوشتری»، «جوایای تبریزی»، «جودی»، «ترکی شیرازی» و... نیز آمده است.
از آن جمله مدرس بیدآبادی اصفهانی در کربلا‌نامه خویش می‌گوید:

چون زد به دشت کرب و بلا شاه دین علم آمد به جان آل‌عبا زان علم، الم
(محمّدزاده، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۰۴۸)

یا در نوحه‌ای از ملک الشعرای صبا در شهادت امام حسین (علیه السلام) آمده است:
لبریز کرد ساقی دوران پیاله را چون دور غم به خامس آل‌عبا رسید
(همان: ۹۴۶)

۲. ترجمه سروده‌ها

علاوه‌بر اشاراتی که به حدیث کساء در اشعار فارسی وجود دارد، متن این حدیث مورد توجه شاعران قرار گرفته که به‌صورت ترجمه سروده به نظم کشیده شده است. ترجمه‌سروده‌ها گونه فرعی از ادبیات تعلیمی است که در آن، شاعران سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، حضرت علی (علیه السلام)، دیگر معصومین (علیهم السلام) و اولیای دین را به رشته نظم درمی‌آورند. این گونه فرعی ادبی در شعر شیعی نمود

خاصی دارد. همچنین علاوه بر مواردی که ذکر گردید، شاعران به منظوم کردن ادعیه شیعی و کتاب‌های دینی؛ نظیر قرآن و نهج البلاغه دست زده‌اند. ترجمه سروده‌ها گاه به صورت اثری مستقل ارائه می‌شود؛ مثلاً شاعر روایتی را به طور کامل به نظم می‌کشد. گاهی نیز شاعر در لابه لای اشعار خود روایتی از معصوم (علیه السلام) را ترجمه و اقتباس می‌کند. هدف شاعران شیعی در منظوم کردن این مضامین، حفظ و گسترش فرهنگ تشیع متناسب با مقتضیات زمانه است.

حدیث کساء، از جمله احادیثی است که شاعران بارها آن را به نظم کشیده‌اند. در پژوهشی که نویسندگان داشتند تاکنون ۲۰ روایت شعری از حدیث کساء را جمع‌آوری کردند که قرار است در کتابی مستقل به معرفی تمامی آن‌ها بپردازند. قالب‌های شعری که شاعران برای این ترجمه سروده‌ها انتخاب کردند عبارت است از: «مثنوی»، «قصیده»، «مخمس»، «مربع»، «مسدس» و «بحر طویل».

مبتنی بر پژوهشی که نویسندگان داشتند هیچ ترجمه سروده‌ای مبتنی بر روایت نقل شده از سوی ام‌سلمه نیافتند. روایتی که شاعران بیشتر بر روی آن تاکید داشتند، همان روایت جابر انصاری است که در مفاتیح نیز آمده است یعنی همان روایتی که از حیث سند نسبت به روایت ام‌سلمه اعتبار کمتری دارند! پیش از اینکه به معرفی این دسته از ترجمه سروده‌ها بپردازیم، لازم است توضیح مختصری درباره قصیده کمپانی بدهیم که در میان سروده‌های مرتبط با حدیث کساء، یک استثنا است.

مرحوم غروی اصفهانی، معروف به کمپانی (ق ۱۳) در قصیده‌ای از حدیث کساء سخن می‌گوید؛ اما قصد او از سرودن این قصیده چنان که قالب آن اقتضا می‌کند بیشتر مدح رسول خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بوده است نه بیان مآوقع. از این رو وجه روایی این قصیده چندان مورد توجه نیست تا اینکه ما بخواهیم به دنبال سند روایی آن باشیم. تعبیر کلامی و فلسفی در کنار تعبیر شاعرانه و آرایه‌های ادبی و زبانی، فضای این سروده را نسبت به سایر روایت‌ها متفاوت ساخته است که در نوع خود قابل توجه است. او از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به «عقل نخستین»، از حسنین به «دو درّ نمین»، از علی (علیه السلام) به «ماه ولایت»، از فاطمه (علیها السلام) به «حوراء فلک حشمت» تعبیر می‌کند. ابیاتی از این قصیده را در ادامه می‌آوریم:

تا ماه ولایت شد با مهر نبوت جفت
در بزم حقیقت کرد تا شمع طریقت جای
آن عرش سلونی بود یا مسند هارونی
چون دایره هستی زان چار به هم پیوست
هرگز نشود مرکز انوار ولایت ر
از رشک کساء برخاست دود از فلک اعظم
آن پرده چه سینا زد از سرّ انا الله دم
کاندر پی تعظیمش پشت فلک آمد خم؟
حوراء فلک حشمت شد محور مستحکم
جز نیره عظمی ما اشرقها و اتم
(غروی اصفهانی، ۱۳۹۵: ۲۳)

از قصیده کمپانی که بگذریم، بقیه ترجمه سروده‌هایی که یافتیم مبتنی بر روایت جابر انصاری بود که از حیث اعتبار چنان‌که گفته شد از اعتبار کمتری برخوردار بود. از آنجاکه خود روایت جابر در منابع حدیث بعد از قرن دهم آمده است، ترجمه سروده‌های مبتنی بر این روایت نیز همگی به ۲-۳ قرن اخیر تعلق دارند. چنان‌که بیان شد خود روایت هم در منابع قبل از قرن دهم وجود ندارد. در ادامه نمونه‌هایی از این ترجمه سروده‌ها را معرفی و تحلیل می‌کنیم.

۱-۲- منظومه ملا فتح‌الله وفایی شوشتری (ق ۱۳)

آغاز منظومه‌ای که ملا فتح‌الله وفایی تحت عنوان حدیث کساء سروده، چنین است:

مرا، طبع اگر نارسا، یا رسا نباشد گریز از حدیث کسا
گذشتن مرا از حدیثی چنین بسی دور، باشد ز رأی رزین

(وفایی شوشتری، ۱۳۹۹: ۱۱۴)

وفایی در آغاز روایت از روح القدس مدد می‌گیرد و سپس به بیان روایت به نقل از حضرت زهرا (ع) می‌پردازد:

حدیثی است از حضرت فاطمه که بی‌واهمه گویمش با همه
بگفتا که یک روزی از روزها پدر شد مرا، وارد اندر سر
بفرمود که ای دخت دل‌بند من مرا، ضعف و سُستی است اندر بدن

(همان: ۱۱۵)

منظومه وفایی دقیقاً ترجمه روایت جابر انصاری است که پیش از این درباره آن سخن رفت. یعنی مکان روایت خانه حضرت زهرا (ع) است. پیامبر به خانه ایشان وارد می‌شود و اظهار ضعف

در بدن می‌کنند و دختر ایشان کسای یمانی را برای ایشان می‌آورد.

وفایی شوشتری در آخر روایت سعی در پیوند روایت با آیه تطهیر دارد. به این صورت که جبرئیل از جانب خداوند، آیه تطهیر را بر پیامبر نازل می‌کند و سپس با اذن رسول اکرم صلی الله علیه و آله به جمع اصحاب کساء می‌پیوندد.

این روایت، چنان‌که در قبل ذکر شد، خلاف روایت مشهور مورد قبول فرق اسلامی است؛ زیرا در روایات معتبر، جبرئیل در جمع آل عبا جایی ندارد.

وفایی شوشتری در ادامه به ماجرای کربلا گریز می‌زند و اشاره می‌کند که امام حسین علیه السلام برای اتمام حجت با دشمنان در روز عاشورا به این روایت استناد کرده و بیان می‌فرماید: «که من یکی از اصحاب کساء هستم که خداوند ایشان را به پاکی ستوده است.»

این سنت گریز به کربلا در دیگر ترجمه‌سروده‌های حدیث کساء در دوره متأخر نیز دیده می‌شود.

نمونه دیگر از ترجمه‌سروده‌هایی که مبتنی بر روایات معتبر نیستند، دو سروده از صامت بروجردی است. میرزا محمد باقر صامت بروجردی متخلص به صامت (ق ۱۳ و ۱۴) دو سروده درباره حدیث کساء دارد که هر دو به روایت جابر انصاری نزدیک است. یکی از آنها مسمطی است که مطلع آن چنین است:

بشنو اگر ت هست به سر شور تولی کز لطف خداوند تبارک و تعالی
بر آل کساء داده چنین رتبه والا و اندر سر ایشان بنهاد افسر لولا

(صامت بروجردی، ۱۳۹۴، ج ۶: ۲۳۰)

۲-۲- صامت بروجردی

صامت بروجردی راوی این حدیث را حضرت زهرا علیها السلام و مکان واقعه را هم خانه ایشان می‌داند. بدین ترتیب که پیامبر وارد خانه فاطمه علیها السلام می‌شوند و از ایشان می‌خواهند که بروند و عبای او را بیاورند.

شد راوی این نغز خبر دخت پیمبر اینگونه که یک روز پدر آدم از در

فرمود که ای طاهره طهر مطهر بر خیز و کسای پدر خویش بیاور
آوردم و در زیر عبا گشت مستر
آنگونه که در ابر نهان نیر اعظم

(همان جا)

بعد از جمع شدن خمسه آل عبا در زیر کساء، جبرئیل هم از راه می‌رسد و پیامبر به او اذن می‌دهند که به جمع آنان پیوندد. ادامه این مسمط به واقعه کربلا و مصیبت عاشورا گره می‌خورد. اما منظومه دیگر (حدیث کسای منظوم) صامت‌بر و جردی در بحر طویل سروده شده است. این بحر طویل چنین آغاز می‌شود:

«تحفه حمد و ثنا مدح و دعا ز اول صبح ازل و عاقبت شام ابد لایق و شایسته و زیننده درگاه
خداوند قدیمی و کریمی و رحیمی و عظیمی و مقیمی و حلیمی و علیمی و حکیمی است.»
(صامت‌بر و جردی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲)

این سروده صامت، ۱۲ بند دارد که ۶ بند آن به شرح حدیث اختصاص دارد و از بند ۷ تا ۱۲ به بیان مصایبی می‌پردازد که بر پیامبر و دختر گرامی ایشان و همچنین داماد و فرزندانش روا داشتند.

روایتی که در این مسمط از حدیث کساء به نظم کشیده شده، همان روایت جابر انصاری است؛ یعنی هم راوی این روایت، فاطمه زهرا (علیها السلام) است و هم از حیث پیوستن جبرئیل به خمسه آل عبا منطبق با آن روایت غیر معتبر است.
بند سوم این روایت چنین است:

«گفت ام‌الخیره فاطمه طاهره زاکیه مرضیه صدیقه کبری که یکی روز شه تخت لعمرک مه
اورنگ فترضی خور گردون نبوت گهر بحر جلالت که بود در یتیم صدف طایفه عبدمناف احمد
یثرب وطن مکه مقام از در حجره رخ زیبای دلارای نکوساخت پدیدار وز هم باز بفرمود لب لعل
گهر بار که ای فاطمه دختر نیک اختر من گشته مرا ضعف هویدا به بدن، گفتمش ای باب پناه تو
خدا باد ز ضعف و پدرم باز بفرمود که بر خیز و کسایی که یمانی است بیاور ز برای من و او را ز
سر مهر بپوشان به تنم فاطمه بنمود کساء را ببر باب مهیا و بپوشید بدان پیکر زیبا و چو خورشید

نهان گشت سراپا به سحاب و چومه چارده پنهان به حجاب و ز رخس کرده تاللو به فلک نور تو گفتمی که مگر بدر تمام است و رخ مهر فروزان متواری به غمام است، پس آنگاه عیان شد ز در حجره شه سبز قبا سرور ارباب وفا قبله اصحاب دعا کعبه دین راهبر و ملک یقین آن که بود نام گرامیش حسن کرد سلامی ز ادب در بر مادر به جوابش دولب فاطمه چون غنچه بشکفته ز هم واشد و گویا شد و بسرود که ای نور دو چشم و ثمر قلب من از من به تو هم باد سلام آنگهی از مادر خود باز پیرسید حسن گفت که این بوی خوش از چیست در این حجره مگر کیست خود این رایحه طویه گویا بود از جد گرامم به حسن گفت دگر فاطمه که ای روشنی دیده بود جد تو در زیر کساء ایمن و خوابیده و آورد حسن روی بدان سوی و بر جد نکو کرد سلامی و طلب کرد به داخل شدن زیر کساء رخصتی از جد گرامی و پس از اذن ز پیغمبر نامی ز شعف شد به کساء داخل و بر قرب نبی واصل و گردید دو کوکب به یکی برج قرین و دومه از یک فلک قدر نمودار شد و گشت دور روح از بدنی فرد نمایان و دو جان شد به تنی ظاهر و الحق که دوئی رفت و یکی آمد وزین بعد ز انصاف به چشمی که بصیر است و از این نکته خبیر است و بود احوالی از دیده وی دور و به جز یک نتوان خواند دو تارا.» (صامت بروجردی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳ و ۴)

۳-۲- جویای تبریزی (ق ۱۲)

سروده دیگری که ترجمه روایت غیرمعتبر دیگری است از جویای تبریزی (ق ۱۲) است. منظومه او ترجمه حدیثی است که فاضل هندی در کتاب مسمی به هدایة السعداء فی مناقب السادات از روی تفسیر بخاری نوشته و به دستور نواب ابراهیم خان به نظم در آورده است. کتاب هدایة السعداء فی مناقب السادات از عالمی از اهل تسنن به نام شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی در قرن نهم است. (ر.ک. حسنی، ۱۳۹۷، ۲۱۱)

این روایت که با روایت امسلمه تفاوت قابل توجهی دارد چنین شروع می شود:

بحمدالله پس از تحمید آمد زبانم نعت پیرای محمد
چو گشتم از ظهور نعت سرمست زدم بر دامن آل عبادست
ز فضل شان چو کردم نکته رانی زبان شد برگ عیش زندگانی

(جويا تبریزی، ۱۳۳۷، ۱۹۶)

در این روایت که باز مکان آن مشخص نیست، میان آیه تطهیر و آیه مباحله پیوند برقرار می‌شود؛ اما این بار انگیزه جمع‌شدن این جمع را در زیر عبا نفرین بر کفار بر می‌شمارد:

که فخر انبیا با آل اطهار برآمد چون پی نفرین کفار
شده در زیر چادر با پیمبر علی و فاطمه شبیر و شبیر

(همان‌جا)

ارتباط دادن ماجرای کساء به ماجرای مباحله امری غریب است؛ چراکه ماجرای مباحله یک موضع‌گیری در مقابل مسیحیان نجران بوده و محل نزول آن خارج از مدینه بوده است؛ در حالی که هدف از نزول آیه تطهیر چنان که در قضایای تاریخی دوره‌های بعد نیز ملاحظه می‌کنیم به نوعی برجسته‌کردن شأن خاندان پیامبر در جامعه اسلامی و در میان سایر صحابه و خویشان پیامبر است و محل نزول آن هم در خانه پیامبر بوده است.

در عین حال در منابع متعدد از جمله تفسیر فرات کوفی، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، الاحتجاج، سعد السعود، البرهان، بحار الانوار و... روایاتی است که این دو واقعه را به هم مرتبط کرده است (ر.ک منصور و محمد هادی، ۱۴۰۱، ۲۴۸-۲۵۰). در ترجمه سروده جویای تبریزی، جبرئیل بعد از بیرون آمده خمسه کساء از زیر عبا از راه می‌رسد و پیامی از جانب خداوند می‌آورد که جبرئیل گیسوان پیامبر را بیاراید. پیامبر گیسوان خود را باز می‌کنند و جبرئیل گیسوان پیامبر را می‌آراید و سپس پیامبر گیسوان علی را می‌بافد و بعد علی، گیسوان فاطمه را و پیامبر دو گیسوی امام حسن و امام حسین را می‌آرایند. در اینجا جبرئیل با ذکر خدمات خود به اهل بیت (علیهم السلام) درخواست می‌کند که پیامبر گیسوان او را نیز بیارایند. شاعر ادعا می‌کند که تعبیر پنج و ده گیسو در زبان مردم از این ماجرا گرفته شده است. به هر روی، روایت جویای تبریزی با احادیث معتبر همخوانی ندارد!

در این بخش ماجرای جويا تبریزی نقل می‌شود:

چو سر خیل رسد جعد پیرا بدست لطف جبریل امین را
بدریای کف آن پاک گوهر انامل شد ز مویش موج عنبر

مکرم ساخت حق این خاندان را بنایم احترام و قدر و... را
همینست اینکه در افواه جمهور مفارق پنج و ده گیسو است مشهور
(جو یا تبریزی، ۱۳۳۷: ۱۹۶-۱۹۸)

نتیجه‌گیری

۱. حدیث شریف کساء از روایات معتبر و متواتر نزد شیعیان و اهل سنت است.
۲. راوی این حدیث در متون روایی بیشتر امسلمه یکی از همسران پیامبر ﷺ است؛ اما از قرن دهم روایاتی نقل می‌شود که جابر انصاری را راوی حدیث کساء می‌دانند. این روایت بعدها به کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی الحاق شده است.
۳. انعکاس ماجرای اصحاب کساء در شعر فارسی برجسته است و از حیث قدمت به قرن پنجم برمی‌گردد.
۴. روایت حدیث کساء تا قبل از عصر صفوی در شعر فارسی بیشتر به شکل اشارات و تلمیحات است و از این جهت بسامد زیادی دارد. از عصر صفوی به بعد به‌ویژه در دوره قاجار افزون بر اشاره در قالب تلمیحات به‌صورت ترجمه کامل، روایت در قالب حکایت و داستان به نظم کشیده می‌شود.
۵. از نکات جالب توجه این است که ترجمه روایت کساء به نقل از امسلمه در اشعار فارسی منعکس نشده و روایت جابر انصاری بیشترین نمود را در شعر فارسی به‌ویژه سه قرن اخیر پیدا کرده و نشان از استقبال شاعران شیعی از این روایت دارد.
۶. در ترجمه سروده‌های باقی‌مانده از دوره قاجار، شعرا به جهت اثبات حقانیت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در پایان ترجمه سروده خویش گریزی هم به حادثه عاشورا دارند. حدیث کسای منظوم صامت و برجردی نمونه‌ای از آن است.



منابع

✽ قرآن مجید.

۱. جویا تبریزی، دارابیک، (۱۳۳۷). کلیات جویا تبریزی. به کوشش محمد باقر. پاکستان: دانشگاه پنجاب.
۲. حسنی، علی. (۱۳۹۷). «علل و زمینه‌های پذیرش ولادت امام مهدی از سوی عده‌ای از دانشمندان اهل سنت». مشرق موعود. سال ۱۲. شماره ۱.
۳. صامت‌بروجردی، محمدباقر. (۱۳۹۴). کلیات دوازده جلدی (صامت) در مناقب و مدایح و مصائب و مرآئی ائمه معصومین (علیهم‌السلام). ۱۲ ج. تهران: اسلامیه.
۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (۲۰ جلد). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. عسکری، سید مرتضی. (۱۳۸۷). حدیث کساء در کتب معتبر مکتب اهل بیت و مکتب خلفا. ترجمه محمدجواد کرمی. قم: تبیان.
۶. عطار، محمدبن ابراهیم و حاتمی تفرشی، تقی. (بی‌تا). مظهرالعجایب. ۱ ج. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۷. غروی اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۹۵). کلیات دیوان کمپانی. قم: نشر آبان.
۸. فروزانفر، بدیع‌الزمان. بابایی، پرویز و سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۸۱). دیوان حکیم سنایی غزنوی براساس معتبرترین نسخه‌ها. تهران: نشر آزاد مهر.
۹. محمدزاده، مرضیه. (۱۳۸۶). دانشنامه شعر عاشورایی. ۲ ج. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۱۰. محمدی‌ری‌شهری، محمد. آذیر، حمیدرضا. شیخی، حمیدرضا و جمعی از پژوهشگران. (۱۳۹۱). دانشنامه قرآن و حدیث. ۱۶ ج. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر.
۱۱. منصوری، محمدهادی. آمنه، قریب‌دوست. (۱۴۰۱). «اعتبارسنجی حدیث کساء به روایت فاطمه زهرا (علیها‌السلام)». حدیث پژوهی. سال ۱۴. شماره ۲۷.

۱۲. نزاری قهستانی، شمس الدین. (۱۳۷۳). دیوان حکیم نزاری قهستانی. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: صدوق.

۱۳. وفایی شوشتری، فتح الله بن حسن. (۱۳۹۹). دیوان وفایی شوشتری. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای اصفهان.

۱۴. ویکی فقه. ذیل «حدیث کساء» بازیابی شده در ۱۴۰۳/۳/۱۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی